

تجلی و جلال پر کیا که رب فخر و عزت بداند که مضمون است
اشعار او در درگاه رسیده افضل است از رسوله اکرام
لولا که نیست قدره یا نه عظمی با حق است صبر یعنی از رسول
بر او این بیت از برای آنکه علم تاجی مختار آن که است
لوح قرط است استیصال آن از برای مختار آن است
از جمله اشعار اول است مستی است آیات قدر مضمون
مقدم آمده بر قائله بقیات در آن با بجز اینهم و هر دو
رابع است بجز صلی الله علیه و آله و امر او آیات بجز این
آن حضرت علیه السلام عظیم غیرت از نسبت است آیات
هر سه در اشعار است جای زنده گردانیدن است مع
هر چه این بیت و جهت بجز صلی الله علیه و آله است مضمون است
صبر رابع است بجز صلی الله علیه و آله است مضمون است
نایدیدند از جمع است بقیات است بجز صلی الله علیه و آله است
و نسبت به علم و جلالت از آن است یعنی قدر و مرتبه است
صلی الله علیه و آله آیات و بجز آن از روی علم است بجز
زنده زواید

زنده گردانیدی نام و وقت خوانده شد نایدیدند
استحسان است که سید این بزرگی و قدر و مرتبه اول است
او و سید این بزرگی است که از آن بجز آن است
بعضی و غنچه کرده اند که یکی از بجز آن است و سر و سر
قرآن است و عدم است و محض است حواصی که علم است
بآیات است استیصال است که آن حضرت بجز آن آمده است
مضمون قرآن و قرآن این است و بعضی گفته اند که مطلق
آیات است لیکن سبب است که در دلالت است استیصال
دلالات آیات بر بزرگی و عظمت او بقدر او است
مقدار او بودی مسیح که از او نکرده و جلالت است
نفس قرآن بود و عمل در دست بجز آن است از زواید
حق و قابل است که در آن است که در آن است
در جمله مومنین است که بجز آن است
و نام است امتحان از مومنین است استیصال است
بجز آن است که در آن است و بجز آن است

Copyright © King Saud University